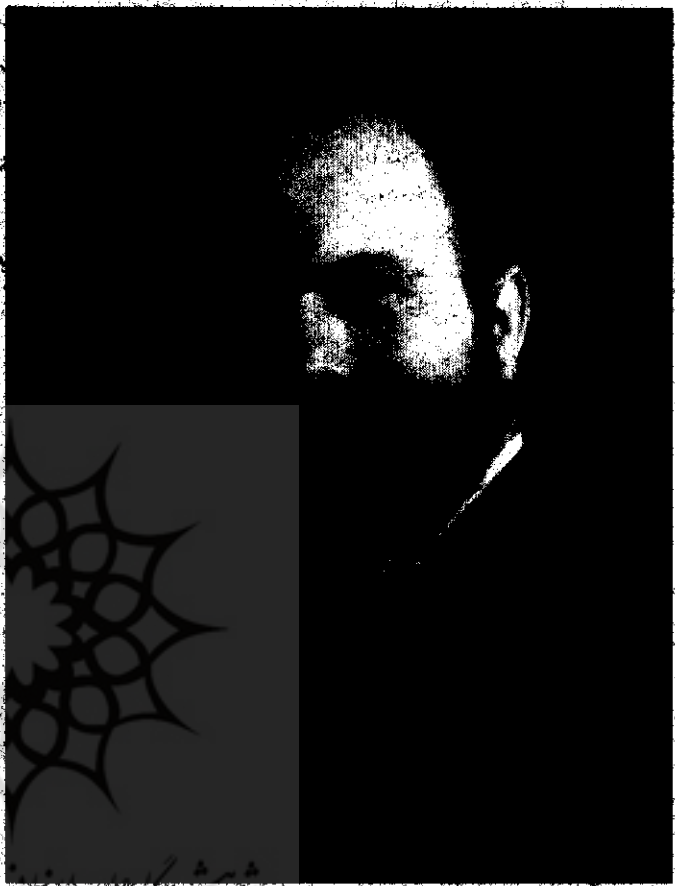


در این رشته گفت و گوها تا کنون پنج تن از اعضای اولین شورای شهر تهران از زبان خود را درباره عملکرد شورا شرح داده‌اند و هر کدام از زاویه‌ای به مسئله پرداختند. بن‌گردد شما هم از دیدگاه خاص خودتان حرف‌های تازه‌ای دارید.

□ سابقه آشنایی من با بحث شورا به دهه هفتاد برمی‌گردد. یعنی زمانی که در سازمان برنامه و بودجه مدیر عمومی سازمان بودم و اعتبارات بخش سیاست عمومی هم در این مدیریت بود. بارها تلاش کردم برای انتخابات شورا اعتبار تأمین کنم، چون قانون تصویب شده بود ولی هنوز اجرا نشده بود. بارها قوانینش مورد اصلاح قرار گرفته بود ولی اجرا نمی‌شد؛ زیرا بدنه دولت و نظام برای اجرای این قانون آمادگی نداشت. بحث بیشتر این بود که زمینه تشکیل نهادهای نسوکرانیک در کشور وجود ندارد. ولی بعد از انتخابات دوم خرداد زمینه اجرا فراهم شد. انتخابات شورا اولین انتخابات بعد از ریاست جمهوری بود. من فکر می‌کنم اولین اشتباه گروه‌های سیاسی این بود که برای اداره شهرهای بزرگ بودیم شهری مثل تهران برنامه مشخصی نداشتیم. همین امر باعث شد که گروه‌های جنبه دوم خرداد بدون این که با اهتلاف شورا و حتی شهرداری آشنا باشند ترکیبی از چهره‌های سیاسی همان را می‌توان لیست مشترک ارائه کردند. البته علاوه بر این لیست مشترک کارگزاران لیست خاص خودش را داد و من و آقای فروزش در لیست مشترک نبودیم. فقط در لیست کارگزاران بودیم. بعضی‌ها معتقدند که کارگزاران در شورا خیلی نفوذ

داشته در حالی که از کارگزاران من و فروزش بودیم و فقط آقای عظیمیان در لیست مشترک بود. شورا وزن سیاسی سنگینی داشت. سه نفر از وزرای سابق بودند؛ آقایان غرضی، دوزدوزانی و نوری و بعدها آقای رضوی از اعضای دولت آمد. به هر جهت مشخص بود که رئیس این شورا بایستی آقای نوری باشد. روی این قضیه اجماع بود. آقای حجازیان به عنوان نماینده گروه اکثریت شورا آقای نوری را پیشنهاد دادند و بقیه هم پذیرفتند ولی از همان ابتدا اختلاف نظرها روی انتخاب شهردار شروع شد. دیدگاه آقای نوری این بود که چون اولین دوره تشکیل شوراست ما نیاز به یک شهردار اجرایی مقتدر نداریم. بایستی خودمان سازوکارهایی را برای اداره شهر تنظیم کنیم. آئین نامه‌هایمان را بنویسیم و شهرداری را انتخاب کنیم که دو وجهه داشته باشد. اول این که از ما حرف شنوی داشته باشد. من در آن زمان وکیل شهرداری در سازمان قضایی بودم. بیش از ۳۵ نفر از مدیران شهرداری در زیرزمین‌های زندان وصال بودند. وقتی ما شورا را تشکیل دادیم آقای نوری می‌گفتند که ما باید یک چهره سیاسی را انتخاب کنیم که مورد قبول مقامات عالی‌رتبه نظام هم باشد و بتواند مدیریت شهرداری را از این بحران نجات دهد. در همان ابتدا که با اختلاف نظر روبه‌رو شدیم دوستان جنبه مشارکت که نه نفر بودند، جلسه‌ای در منزل خانم جلایی‌پور تشکیل داده بودند و آقای مهندس دانش - معاون وزارت علوم - را به عنوان شهردار انتخاب کرده بودند و قرار گذاشته بودند روزی که جلسه شورا تشکیل می‌شود آن را اعلام کنند و گویا در منزل هم برای آقای دانش رای گیری کرده بودند و



سید محمود علیزاده طباطبائی

شورای شهر تهران؛

بی برنامه کار به سامان نمی‌رسد

گفت و گو با آقای سید محمود علیزاده طباطبائی
گفت و گو از سید مهدی غنی

ایشان نه یادیم تا رای آورده بود
زمانی که آقای نوری از این ماجرا
اطلاع پیدا کرد. استعفایش را از
ریاست شورا اعلام کرد. آقای نوری
می گفت: من تصور این بود که
نمایند اکثریت شورا هستیم که
بعضی از رئیس انتخاب شدیم حالا که
اکثریت شورا نظری غیر از بنده دارد
من هم یک عضو مثل بقیه هستم.
به عنوان عضو در جلسات شرکت
می کنم و کارم را انجام می دهم.
آقای عطریانفر خبر داد که آقای نوری
نمی آید. ما نگذاشتیم این جلسه
تشکیل شود. خود من در جلسه حضور
پیدا نکردم. بعضی از دوستان گفتند
این خلاف اصول دموکراسی است
ما اکثریت هستیم و باید تصمیم
بگیریم. من این روز هم به دوستان
گفتم که در همان ضوابط دموکراسی
چیزی به نام ایستراکسیون وجود دارد
اگر شما در نقرید جلسه را تشکیل
دهید اگر دهنفر کمترید ما شرکت
نمی کنیم تا اولسه از رسمیت بیفتد و
ما چنین حق را داریم. اولین
اختلاف نظرها از اینجا شروع شد.
همان شب همه در منزل آقای نوری
جمع شدیم. از ایشان غرض خواهی و
دیجوبین شد و همه پذیرفتند که این
رفتار که عدای بیرون جمع شوند و
تصمیم بگیرند و بیایند در شورا بکنند
کنند غلط است. بر روشی هائی شد و
حدود پهلوی غرض جوت شدند و آمدند
برنامه های شان را گفتند و در مجموع
به آقای صفایی فراملی و آقای
الویزی رسیدیم که اولویت اول آقای
صفایی فراملی بود و اولویت دوم آقای
الویزی. آقای صفایی فراملی خارج
از کشور بودند. با ایشان تماس گرفته
شد. ایشان هم با پیشنهادی گفتند که
من بنا ندارم شهردار شوم و کارم خودم
را برای مجلس آماده می کنم و تاکید
کرتند که اگر آقای الویزی را انتخاب

کنیم من با ایشان همکاری می
کنم. به این ترتیب آقای الویزی به
عنوان شهردار از طرف شورا انتخاب
شد و ما قبل از انتخابات ریاست
جمهوری مشکل چندانی در شورا
نداشتیم. با این که اختلاف نظرها و
گاه مسائل شخصی وجود داشت. بعد
از انتخابات مجلس آقای نوری و آقای
غرضی و خانم کدیور از شورا رفتند.
آقای نوری با استعفای اعضای شورا
برای رفتن به مجلس به شدت مخالف
بود. ولی ناگهان دیدیم که خودشان
هم تصمیم گرفتند بروند. باین توجیه
که جمع بندی مسئولان عالی رتبه
نظام این بوده که حضور ایشان در
مجلس مفیدتر است. با رفتن آقای
نوری از شورا ما تاکید داشتیم کسی
را انتخاب نکنیم که سابقه اجزایی
دارد و با شهرداری اشتراک و مدیریتان

من فکر می کنم اولین
اشتباه گروه های سیاسی
این بود که برای اداره
شهرهای بزرگ بویژه
شهری مثل تهران برنامه
مشخصی نداشتند. همین
امر باعث شد که
گروه های جبهه
دوم خرداد بدون این که با
اهداف شورا و حتی
شهرداری آشنا باشند
ترکیبی از چهره های
سیاسی شان را به عنوان
لیست مشترک ارائه کردند

شهرداری را می شناسید. آقای الویزی
هم کمترین تغییرات را در تقویم
مدیریت شهرداری اعمال کردند.
درباره رئیس شورا هم ما معتقد بودیم
کسی باید انتخاب شود که این
همانگی را با شهرداری داشته باشد
اما دوستان مشارکت مخالف بودند
ما گفتیم آقای جعفریان ریاست را به
عقله بگیرند و ایشان هم گفتند من
می خواهم بوی و راهبری انتخابات
بمجلس آماده شوم و ناچار آقای
دوزدوزانی انتخاب شد. آقای
دوزدوزانی از همان اول مورد تأیید
اکثریت اعضای شورا نبود و تنها به
خاطر این که مشارکتی بود آقای
جعفریان ایشان را به ما قبول دادند.
ایشان به این دلیل مورد قبول ما نبود
که خلقیات ویژه خودشان را داشتند.
ضمن این که اتمی بنیان متعین به
سنگ سنج بود. رفتارشان به
خصوص از طرف جوانترهای عضو
شورا مورد قبول نبود. حسابات های
خاصی نسبت به بیت المال نشان
می داد. در حالی که رفتارشان برای
اعضای شورا قابل توجیه نبود. این
درگیری ها از همان روز اول
وجود داشتند. به دلیل تجربه های که
من در سازمان برانسه داشتم دوستان
از اول مرا به عنوان رئیس کمیسیون
برنامه و بودجه و امور حقوقی انتخاب
کرده بودند. من خودم روز اول به
شدت با انتخاب آقای دوزدوزانی
مخالف بودم. ولی از روزی که انتخاب
شدند، رفتن غنیمت ایشان و گفتن من
بیشترین مخالفت را با انتخاب شما
داشتیم ولی حالا که انتخاب شدید
بالاترین همکاری را با شما خواهم
داشت.

گویا ایشان با اجماع آرا
انتخاب شده بود.

بنا بر این بود که رأی گیری
بر اساس اجماع باشد، ولی در جلسه
من و یکی دو تا دیگر هم مخالف
بودیم.

از ایشان گفتند پیدا بود؟
جمع بندی این شد که آقای
دوزدوزانی انتخاب شوند. من خودم با
آقای عطریانفر موافق بودم. به دلیل
آشنایی ای که با مدیریت شهری و با
مدیران شهری داشتم و روزنامه
همشهری هم می توانست از آرا خیلی
خوبی در اختیار مدیریت شورا باشد.
وقتی آقای دوزدوزانی به ریاست
انتخاب شدند سخت گیری هائی
داشتند که بعضی دوستان نمی پسندیدند
با اینکه دلیل مخالفت من
سخت گیری های ایشان نبود ولی
اصرار داشتیم که وقتی انتخاب شدند
باید با ایشان همکاری کرد. ولی
بعضی دوستانی که چند جای دیگر
مشغول بودند شروع به کار شکنی
کردند. تا این که یک روز آقای
دوزدوزانی معترضانه گفت من با این
شرایط نمی توانم شورا را اداره کنم و
به حالت قهر از جلسه رفت و نامه ای
هم برای اعضای شورا نوشت که
به صراحت استعفا نبود. نوشته بود با
این وضعیت نمی شود کار کرد.

بعضی دوستان می گویند
که آقای دوزدوزانی گفته بود اگر
این شرایط را نمی پذیرید، پس
من نیستم. بنابراین وقتی اعضا
شرایط وی را نپذیرفتند، به
استعفای ایشان رای داده اند.
به این صراحت نبود ولی به عنوان
استعفا مطرح شد و ایشان از ریاست
کنار گذاشته شدند. البته خودشان این



مادر اولین سال تشکیل شورا یا مدیریت مترو صحبت کردیم و گفتیم هر چه قدر شما می خواهید جذب کنید، ما اعتبار لازم را تأمین می کنیم و این کار را هم کردیم که مترو راه اندازی شد



قضیه را نپذیرفتند. من همان جا در اولین جلسه استدلال کردم که با وجود این که این نامه در مورد استعفا ساکت است ولی در مورد برکناری روشن است. اعضای شورا می توانند رئیس را برکنار کنند و شما اگر قبول نیاورید استعفا پذیرفته شده. وقتی همه می گویند شما نباشید، برکنارشان کرده اند.

اشتباه دوم اعضای مشاورت این بود که اصرار داشتند یکی از خودشان رئیس بشود و آقای خسروی را به عنوان رئیس انتخاب کردند. ایشان آدم شریفی بود ولی وجهه عمومی آقای دوزدوزانی را نداشت. بویژه که آقای دوزدوزانی با سوابق طولانی مبارزاتی و یک دوره وزارت در جمهوری اسلامی، هم در بین مدیران کشور و هم مدیران شهرداری و هم در بین اعضای شورا اعتباری داشت. در حالی که آقای خسروی هیچ کدام از این خصوصیت ها را نداشت. مشکلات ما از زمانی شروع شد که حتی آقای الویری آقای خسروی را به

عنوان رئیس شورا انتخاب نمی گرفت. این یکی از چالش هایی بود که تا آن روزه رو شلیم. بعد مسئله ترور آقای جباریان پیش آمد. آقای جباریان چهارم می بود که اگر مشکلی پیش می آمد می توانست جمع کند. اما بعد از او ما دیگر در شورا جمع کننده ای نداشتیم. در آن گروه که بیشتر اعضای مشاورت بودند هیچ کدام از افراد مورد وثوق همه نبود. این طرف هم که ما سه نفر بودیم و نمی توانستیم تصمیم بگیریم. اتهاماتی هم نسبت به بعضی خودشان مطرح شده بود که شاید دوستان اشاره کرده باشند. به هر جهت هر کسی که مسئولیت کار عمومی را می پذیرد باید منافع خصوصی خودش را فنا کند ولی می دینیم که گاه دنبال منافع خصوصی قانونی خودشان بودند که هرگز با ساختار شورا سازگاری نداشت. ما مشکلاتی با مدیریت شهرداری داشتیم. انتظار این هم مردم داشتند و فشارهایی هم از بیرون به ما وارد می شد. اولین مصوبه شورا که در ارتباط با مدیریت شهرداری فرهنگی هنری شهرداری بود، به صورت غیرقانونی توسط هیات عدالت اداری نقض شد. یکی از اختلافاتی که از زمان تشکیل سازمان فرهنگی هنری بین شهرداری و مسئولین فرهنگی کشور به وجود آمده بود این بود که شهرداری دنبال این طرح بود که برای هر منطقه یک فرهنگسرا و برای هر محله یک خانه فرهنگ ایجاد کنند. می گفتند ما مسجد در این شهر داریم که هیچ کدام حتی نفلتشان را به شهرداری واگذار نکرده اند. قشر متدین مذهبی ۸۰٪ مرکز فرهنگی در اختیار دارد. ما مراکز فرهنگی ای برای عموم مردم و بویژه برای جوان ها می خواهیم که در واقع یک مرکز فرهنگی و پر کردن

اوقات فراغت هم باشد. شورا می خواست تصمیم بگیرد که این مراکز را خودش اداره کند. آقای الویری با مقامات عالی رتبه صحبت کردند و نظرشان را چویا شدتاً همه موافقت کردند. ولی وقتی مصوبه ای گرفتیم که اعضای هیات اجرایی این مراکز چگونه انتخاب شوند دیدیم که دیوان عدالت از شورای نگهبان استعلام کرد و شورای نگهبان با این استدلال که این ترکیب یا منویات مقام معظم رهبری سازگاری ندارد منویاتی که مرکز اعلام نشده بود و هیچ جا مکتوب نشده بود، مصوبه ما را نقض کرد. در حالی که این ابهام باقی ماند که مگر شورا یک تشکیلات اداری است که دیوان عدالت بتواند مسئولیتش را نقض کند یا این که شورا یک مجمع منتخب مردم است و صلاحیت دیوان عدالت اداری به مقامات منتخب نمی گردد نه مقامات منتخب. متأسفانه هیچ جایی هم این بحث طرح نشد. با وجود این مشکلات، مدیریت شهری کار خودش را ادامه می داد. کمیته های شورا و مدیریت شهری از طرف رسانه های جمعی مورد طعن قرار گرفتند. چون ما آزاری برای تبلیغ خودمان نداشتیم. صلاوسیما که هرگز از موفقیت های شورا صحبت نکرد و همیشه عین داشت اختلافات را بزرگوارانه می گفت. این موقفیت ها به نظر شما بویژه زمینه های بود؟

بله، یکی از موقفیت های شورا این بود که مترو را از وزارت کشور به شورا منتقل کرد و هیات امنایش را شورا انتخاب کرد. تأمین کرد. زمانی که مترو زیر نظر وزارت کشور

بود فقط مشغول تونل ها بودند. ما در اولین سال تشکیل شورا با مدیریت مترو صحبت کردیم و گفتیم هر چه قدر شما می خواهید جذب کنید، ما اعتبار لازم را تأمین می کنیم و این کار را هم کردیم که مترو راه اندازی شد. الآن بیش از یک میلیون نفر مسافر جابه جا می شوند. تمام پروژه های عمرانی که متوقف شده بود از نو راه اندازی شد. راه اندازی دوباره یک پروژه عمرانی کار ساده ای نیست. زمانی که مدیران شهرداری در زیرزمین های وصال زلفانی بودند بین مدیریت حقوقی کار را به عهده گرفتیم. و کالت مدیران را هم به عهده گرفتیم. و علیه فرماندهان حفاظت اطلاعات شکایت کردیم و به اتهام آزار و اذیت آنها را به سازمان قضایی نیروهای مسلح کشاندیم و محکوم کردیم. تا اینجا جلورفتیم و مدیریت را با اقتصادسازکارش برگرداندیم. با وجود اختلاف نظرها و حتی برخی ندهای تنگی که بعضی از اعضای شورا با آقای الویری من کردند ولی مشکل عمده ای نداشتیم. مشکل بزرگ ما زمانی شروع شد که دوباره از اعضای شورا برای ریاست جمهوری کاندیدا شدند. من تصور می کنم که این نقشه ای بود از طرف کسانی که یا شورا عناد داشتند برای برخورد با شورا و یکی از این دوستان که برای کاندیداتوری تحریرش کردند خودش می دانست که صلاحیتش رد می شود. همچنین که بوی مجلس رد شده بود و مشخص بود که در زیانست جمهوری. هم در می شود ولی ایشان اصرار داشت که جنبه اصلاحات و در رأس آقای خاتمی با تمام توان بایستد. او از تأیید صلاحیت ایشان دفاع کند. در حالی که بن تردید این انتظار بجایی نبود و وقتی این اتفاق

نفتاد ایشان به صیاحت در جلسه ای با حضور آقای درویش گفته بودند که میوه دوم خریدار شورانها بود و بعد از این که با من این طور برخورد شد من این پروژه را به شرکت من گشتم. بعد از این قضیه مسئله استیضاح آقای شهردار مطرح شد و با طرح مسائل واقعه مطرح شد. آقای الویری را استیضاح کردند و وقتی استیضاح رای نیافرید همان گروهی که استیضاح را انضام کردند با شرکت نکردن در جلسات شوران را با همشکل رویداد کردند. آقای حجازیان هم که ترور شده بود نمی توانست در جلسات شرکت کند. از آن گروه پنج نفر با جداشدن خانم و سمن با چهار نفر ماندند. آقای دوزدوزانی هم بعد از عزل از ریاست در جلسات شرکت نمی کرد. در نتیجه جلسات شورانها نه نفر نمی توانست تشکیل شود و نه مدت ها جلسات شوران تشکیل نمی شد تا این که ما ناچار شدیم از آقای الویری درخواست کنیم که استعفا بدهد و پیش از این که به این جمع بندی برسیم به همین دوستانی که معترض بودند گفتیم بروید شهرداران را انتخاب کنید. اگر با اجماع به شخصی رسیدیم که بتوانیم با او کار کنیم ما استعفا از آقای الویری را می گیریم. آقای اصغرزاده، آقای ملک مدنی را مطرح کردند. آقای عطریان اولین کسی بود که با آمدن آقای ملک مدنی مخالف بود و علت مخالفتش را هم مطرح نکرد.

در این زمان برای من در دیگری با شرکتی بودی دو پرونده مدیران شهر را می مشکلی پیش آمده بود رفتن و رفتن از زمان که زیاد شد. یک روز آقای کرمانی به دیدن من آمد و پرسید چرا با آمدن آقای ملک مدنی مخالف هستید؟ گفتم حقیر من آقای عطریان را مخالفی است.

و من هم به تصور این که نظر شما هم همین است مخالفت من کنم. آقای کرمانی گفتند که نمی دانم چرا آقای عطریان مخالفت می کند ولی ملک مدنی مدیر شایسته ای است. من با آقای عطریان طرح کردم. ایشان گفتند که من دوستان شوران را شناسم بعضی متوجه گردیدم برخی منافع برای خودشان در نظر کرده اند و ملک مدنی کسی نیست که بد کسی پا بدهد. ملک مدنی یک مدیر مستقل و مقتدر استند که اگر قبول کند بیایم می آید و می خواهد کارش را جلو ببرد. ملک مدنی گفت من در صورتی می آیم که حجازیان و عطریان از من درخواست کنند. من در ملاقاتی با ایشان دلیل این گفته را پرسیدم. گفت به این دلیل که می آیم اگر حجازیان و عطریان دعوت کنند اجماع روی این قضیه است. من که با اصغرزاده مشکلی ندارم او مدت هاست مرا دعوت می کند. شنیده بودم آقای اصغرزاده با ملک مدنی شرکتی



دوستانی بودند که در این کمیسیون ها مسائلی برای خودشان تعریف کرده بودند نمی گوییم منافع شخصی بلکه برای شهر تعریف کرده بودند. ملک مدنی جلوی آنها را گرفت.



دارند از ملو پرسیدم گفت با آقای اصغرزاده او جلای رضازاده شرکتی داریم که من مدیر عاملش هستیم. خانم رضازاده همسر آقای اصغرزاده رئیس هیات مدیره این است و زوجه ای هم به شهرداری ندارد. در زمینه مسائل آب داریم کار می کنیم. طرفه قرارداد وزارت نیرو هم هستیم. یا این حال ما گفتیم که اگر نظر آقای عطریان را بگیریم جلوی خود ما با آقای عطریان صحبت کردیم و گفتیم که موافقت ملک مدنی را بگیرد و روی ملک مدنی استیضاح شد. در جلسه من به عنوان رئیس کمیسیون جفران مطرح کردم و گفتم که ما یک رای گیری کنیم ایستراجن می گیریم هر کسی کاندیدای دیگری دارد مطرح کند تقریباً همه گروه ها ملک مدنی را معرفی کردند. آقای اصغرزاده ملک مدنی و الویری رئیس هیات مدیره را معرفی کردند. آقای عطریان ملک مدنی و آقای خونساری را مطرح کردند. البته قلمش سواد آقای آشوری رفتیم ولی ایشان نپذیرفتند. به هر جهت آقای ملک مدنی به آقای آر را رای آورد. آقای فیروزش و آقای دوزدوزانی در این جلسه نبودند و آقای عادلینی یا آقای رضوی هم نبودند. رای گیری کمیسیون بود. بعد از رای گیری آقای عطریان و عطریان استعفا می دهیم الویری را گرفتند. حتی رای گیری با خط من است که نفر اول خودم زانو شدم. چون آقای الویری گفتند اگر دو سوم تصویب شود ما را نخواهند می استعفا می دهیم. آقای عطریان گفتند دو سوم حاصل شد که ایشان را خوری مخصوصاً وقت دیدند که نفر اول من هستم و فکر می کنم آقای الویری هنوز روی این قضیه از من دلخور است. ما می خواهیم قضیه را با اطلاع جمع

کنیم. استعفا را گرفتیم و آمدیم پایین و اصلاح کردیم که ملک مدنی انتخاب شد. اینجا بود که دوستان گفتند نه بله من از شورای گیری می رفتم پایین. در جلسه رسمی رای گیری انجام شد. یکی دو نفر از آقایان رای دادند ولی باز آقای ملک مدنی رای آورد. آقای ملک مدنی همان ابتدا گفت من دادم مدیریت شهر تهران با همه جا فرق دارد. بایستی بروم از بالاترین مقام نظام تارنیس جمهوری را رئیس مجلس صحبت بکنم. با همه هم صحبت کرد و همه هم قول مساعدت دادند. او کارش را با قاطعیت شروع کرد. حتی دوستانی که تصور می کردند تجاری شان شهر را ضعیف کند او اصلاً تجاری نمی گیرد و با قاطعیت کارهایش را پیش می برد. یکی از بزرگترین کارهایی که ما زمان آقای الویری می بینیم را چندین بار بود. آقای ملک مدنی تکمیل شده این بود که شهر تهران بعد از مطالبات که گروه معترضان کرده بودند. البته جامع انداخته و سال ۸۳۷۰ هم مطالبات خوبی شده بود. البته در زمان آقای کرمانی برنامه ریزی مطالباتش شده بود ولی کامل نشد. برای هر منطقه یک مشاور انتخاب کردیم که هر مشاور ۵۰ مهندس در اختیار داشت. یعنی گفتم هزار نفر مهندس برای شهر تصمیم بگیرند. این ۱۰ مشاور مطالباتشان را از زمان الویری شروع کردند. در زمان ملک مدنی اعتبارشان کامل شد و کارشان را با سرعت انجام دادند. اولین گزارش خود را در زمان ملک مدنی دادند. گزارش تکمیل شدن رای یکی دو ماه پیش ارائه کردند. مشاورها در واقع طرح تفصیلی را به طور ویژه منطقه به منطقه و محله به محله مطالعه کردند و آن را

برای کمیسیون ماده پنج آماده کردند که امیواریم مدیریت شهرداری این را ارائه بدهد.

ملک مدنی که آمد من شاهد بودم که عمدتاً اختلافات شخصی مطرح بود، بحث‌هایی در کمیسیون باغات و یا در کمیسیون معاملات مطرح بود. همه اینها را ملک مدنی تعطیل کرد. دوستانی بودند که در این کمیسیون‌ها مسائلی برای خودشان تعریف کرده بودند، نمی‌گویم منافع شخصی، بلکه برای شهر تعریف کرده بودند. ملک مدنی جلوی اینها را گرفت. مواردی بود که زمینی رأی باغ برایش صادر می‌شد، می‌آمد در کمیسویی که غیر قانونی بود تا رأی نقض شود. چون صراحت قانون این است که شورای شهر می‌تواند رأی کمیسیون ماده ۷ را نقض کند و متأسفانه گروهی جمع شده بودند در کمیسیون عمران و تصمیم می‌گرفتند که بارها به عنوان کمیسیون حقوقی گفتم که این تصمیم غیر قانونی است و قابل اجرا نیست چون مصوبه شورا تلقی نمی‌شود. ملک مدنی با این قضایا برخورد کرد. مقامات خارج از شورا انتظاراتی داشتند که مقابلشان ایستاد. یادم هست یکی از معاونان وزیر نفت به خود من گفت: "آقا این آدم قلندر کیه آورده‌اید؟ زمینی در اراضی عباس آباد که نه میلیارد تومان پولش را داده‌ایم، می‌گوید بایستی به قیمت روز مجدد پولش را بدهید." که من خودم با آقای ملک مدنی صحبت کردم. گفت: "من در دولت مطرح کرده‌ام و گفته‌ام که نمی‌توانم زمین عباس آباد را متری سی هزار تومان بفروشم. بروم در راه آهن زمینی را تملک کنم متری سیصد هزار تومان بدهم. هر دستگاه دولتی یک متر از زمین عباس آباد را می‌گیرد، سه متر زمین بایستی در

طرح‌های من آزاد کند و گونه زمین را پس می‌گیرم." مقابل وزارت نفت ایستاد. خود آقای مهندس خرم با من صحبت کرد و گفت: "کین زمین را ما گرفته‌ایم، پولش را داده‌ایم، ولی شهردار به قیمت روز از ما پول می‌خواهد." با سازمان برنامه همین برخورد شد. با آقای ملک صحبت کردم، گفت: "وزارت نفت نه میلیارد تومان پول زمین را به شهرداری داده و بیش از ده میلیارد تومان فقط پول مشاور داده. نقشه‌هایش را طراحی کرده‌است. در دولت همه مقابلش قرار گرفتند. به شهرداران منطقی گفت: "عوارضتان را از همه دستگاه‌های دولتی بگیرید." شهرداری منطقه شش در یکی از وزارت‌خانه‌ها راهپس کرد و گفت: "تا عوارضتان را ندهید من اجازه ورود به وزارت‌خانه نمی‌دهم." مدیریت شهری کارش را با این انتظار شروع کرد. ولی از آن طرف هم دوستان رفتند. ادر تلویزیون مطرح کردند که آقای ملک مدنی یکشنبه ماشین از فلان شرکت برآوردن گرفته‌است که وقتی برزنی کردیم دیدیم اصلاً چنین چیزی نبوده‌است. ولی از برنامه مستقیم تلویزیون پخش شد. خود آقای مصغری از ده روز زمان الیوری سمیناری را راه‌اندازی کرد برای مطالعه طرح جامع شهری تهران که عمدتاً همان افرادی بودند که زمان آقای کرباسچی نشسته بودند و برنامه تهران را نوشته بودند و چیزی به عنوان منشور شهر تهران تصویب شد. در همان منشور ذکر شده بود برای این که بشود شهر ترا حلال‌شکریه فوری باید فروش تراکم متوقف شود. اولین حرف مشاوران یعنی هزار نفر شهرساز این بود که فروش تراکم باید متوقف شود تا بتوانیم مطالعه کنیم. ما من خواهیم مطالعه کنیم که این زمین

در این منطقه چه کاربری می‌داشتند یا شاید ناگهان می‌بینیم که این زمین بیست طبقه ساخته شد. تا جز شورا هفته‌ای یک جلسه غیررسمی داشتیم. این تصمیم را آقای ملک مدنی دو یک جلسه غیررسمی مطرح کرد. ما گفتیم به تدریج فروش تراکم را متوقف کنید. منطقه یک تا هفت تراکم تفروشیه، مگر در مناطقی که مهندسين مشاور منطقه تأیید کنند، آن هم نه به قیمت که تا حالا فروخته‌ایم. اگر کسی می‌خواهد بیست برابر آنچه که حقوق است ساختمان بسازد معادل این بیست برابر جای دیگر زمین آزاد کند. زمانی که فروش تراکم در دوره آقای کرباسچی منطقی شد، بحث این بود که اراضی مردم سال‌هاست در طرح‌های شهرداری قرار گرفته و ما نمی‌توانیم این اراضی را بفرویم. برای این که بتوانیم طرح‌های عمرانی مان را در جاهایی که شهر اجازه می‌دهد اجرا کنیم، زمینی را که

من خودم با آقای

ملک مدنی صحبت کردم.
گفت: من در دولت
مطرح کرده‌ام و گفته‌ام که
نمی‌توانم زمین عباس آباد
را متری سی هزار تومان
بفروشم. بروم در راه آهن
زمینی را تملک کنم متری
سیصد هزار تومان بدهم.

فریز کرده‌ایم و نه می‌خریم و نه اجازه ساخت به آن می‌دهیم. بگوییم این زمین حال شهرداری باشد و در عوض این زمین تو که ۱۲۰ درصد تراکم دارد، این تراکم را جای دیگر به شما می‌دهیم ولی قرارمان این باشد که براساس اصول مهندسی ساخته شود. از آنجا که طرح‌های شهرداری ناگهان شروع شد و نیاز به اعتبار داشت. متأسفانه بی‌ضابطه شروع به فروش تراکم کردند. برخلاف تبلیغاتی که علیه کرباسچی و مدیرانش به عنوان غارتگران بیت‌المال شد و مساحمه شدند نتیجه‌ای حاصل شد. خدمت مقام معظم رهبری هم که رسیدیم من به صراحت عرض کردم که این همه جار و جنجال راه‌انداز شد که غارتگران بیت‌المال را گرفته‌اند، من به عنوان خزانه‌دار این شهر می‌گویم چرا یک ریالی از این اموال غارت شده به خزانه شهر برنگشته‌است؟ این تبلیغات دروغ بود. همه متهمان پرونده شهرداری جز شخص کرباسچی تبرئه شدند. برخورد با شخص کرباسچی را هم همه می‌دانند که سیاسی بود. اتهامش این بود که زمینی را به پنج تا از مدیرانش داده‌است. در حالی که همه دستگاه‌ها زمین به مدیرانشان داده بودند. او هم به قیمت منطقی داده بود. در همان جلسه یکی از اعضای شورا که همه هم می‌دانستیم که خودش درگیر ساخت و ساز است به شدت مخالفت کرد و بعد که دید مخالفتش جایگاهی ندارد، گفت حداقل دو هفته فرصت بدهید که مشخص بود در دو هفته می‌خواهد چه کار کند. دو سه نفر درگیر ساخت و ساز بودند که من اسم نمی‌برم. ولی آن روزها در مصاحبه‌هایم گفتم که آقای فلانی که در تلویزیون تبلیغات من کنی، تو در فرمانیه فلان پروژه را

داری و یا فلانی شریکی و این قدر زیر بنا داری، بحث تحقیق و تفحص مجلس را راه انداختند. من گفتم آقایانی که در تحقیق و تفحص پرونده شهرداری را بررسی می کنند مشغول ساخت و ساز هستند. آقای کروبی پشت میزین گفتند اینها که خودشان دست اندر کارند چه کسانی هستند؟ رفتم به آقای کروبی گفتم اینها هستند و اسم آوردند و ایشان فقط اظهار تأسف کردند. گفتم آقای کروبی هم مقامات دولتی و هم مقامات مجلسی که مخالف اند دارند در کار ساخت و ساز سودهای کلان می برند. این آقایی که وزیر است این آقایی که معاون رئیس جمهور است و تبلیغات می کند و تحقیق و تفحص راه می اندازد اینها خودشان دارند سود می برند. تحقیق و تفحص انجام شد و پرونده را مجلس ششم که مجلس اصلاحات بود فوری به دستگاه قضایی فرستاد و دستگاه قضایی هم فوری رسیدگی کرد. ولی چیزی از آن در نیامد. آقای ملک مدنی تبرئه شد. به آقای مهندس علیخانی شهردار منطقه یکم محرومیت از مشاغل دولتی دادند که آن هم غیر قانونی بود. از تحقیق و تفحص چیزی در نیامد. نگاه بحث انحلال شورا را مطرح کردند فشار آوردند که ملک مدنی استعفا بدهد. ملک مدنی گفت: "مرا بزرگنار کنند." ما به مجلس رفتیم و متأسفانه دوستان جبهه مشارکت خودشان را کنار کشیدند. در هیئت تحقیق و تفحص هم نبودند وقتی دیدند که سود استفاده می شود خودشان را کنار کشیدند. من با تکلیف آنها صحبت کردم، حرفشان این بود که حالا شهردار از ما نیست که حمایتش کنیم. شهردار مال کارگزاران است. در صورتی که ملک مدنی عضو کارگزاران نبود.

متأسفانه اختیارات قانونی شوراها خیلی کم بود. پیداست که بایستی قانون اصلاح شود و مدیریت شهری به نمایندگان شهر واگذار بشود و هم این که در آمده های شهر داخل شهر هزینه بشود.

ملک مدنی را آقایان انتخاب کرده بودند. با این توجیه که مدیری که از ما نیست، چرا برایش مایه بگذاریم. وقتی دیدند که ملک مدنی استعفا نمی دهد و زورشان هم در شورا نمی رسد که ملک مدنی را بزرگنار کنند، این بازی را راه انداختند که پرونده شورا را به هیئت حل اختلاف بردند و آنها هم رای به انحلال شورا دادند. هیئت حل اختلافی که نماینده های دولت بودند؛ معاون وزیر کشور و معاون رئیس جمهور، من همان جا به معاون رئیس جمهور گفتم: "تو متافع شخصی داری و برای همین هم می خواهی شوراها را منحل کنی." عینی هم در جلسه شورا و هم در هیئت حل اختلاف این مطلب را گفتم که نماینده قوه قضائیه به من اعتراض کرد که داری متهم می کنی. گفتم: "آقای معاون دادستان! من اگر حرف می زنم، خودم وکیل دادگستری هستم. قانون را من شناسم. چرا

شکایت نمی کنند بیایم حرف بزنیم با ثابت کنیم؟ متأسفانه هر کسی با ذهنیتی دنبال انحلال شورا بود. دوستان جبهه مشارکت در مجلس شاید تصور می کردند با انحلال شورا و نصب شهرداری از خودشان می توانند شهر را در اختیار بگیرند و در انتخابات از امکانات شهر استفاده کنند. این ذهنیت را داشتند. آقای عطریانفر می گفت: اگر شورا را منحل کنند قطعاً آقای خامنه ای با انحلال شورا موافقت نخواهد کرد و شورا منحل نمی شود. باورش نشد بود که شورا را منحل خواهند کرد. آقای دوزدوزانی با آقای لاری تفاهم کرده بودند که شورا را منحل کنند. خیلی راحت آقای دوزدوزانی نوشت به هیئت حل اختلاف و هیئت حل اختلاف هم رای به انحلال شورا داد. چون تصمیم غیر قانونی بود ما شکایت کردیم. آقای دوزدوزانی رئیس شورا بود، هر چه گفتیم اگر به انحلال اعتراض داری به دیوان عدالت شکایت کن، این کار را نکرد. من و هفت نفر دیگر از اعضای شورا که اکثریت را داشتیم، به دیوان عدالت اداری شکایت کردیم. رئیس شعبه ای که پرونده به آنجا راجع داده شده بود گفت: "این پرونده سیاسی است." گفتم: "آقا ما دستور موافقت می خواهیم. ما شکایت کرده ایم و ذی نفع هستیم، شما هم که خودتان را اصلاح به رییس داری می خوانید و محسوبه شورا را باطل کرده اید. ضمن این که قانون هم صراحت دارد که از تصمیم هیئت مرکزی حل اختلاف به دیوان عدالت اداری می شود شکایت کرد. شکایت کردیم ولی متأسفانه به شکایتمان هنوز هم رسیدگی نشده است و حتی هنوز هم قرار رد دعوا صادر نگرفته اند."

شماره ۱۳۱
در باره برخورد با شهرداری
نظریات مختلفی وجود دارد، شما فرمودید که آقای نوری نظرشان این بود که شهردار هماهنگ با شورای شهر باشد ولی گویا نظر شما این بوده که شهرداری مقدر انتخاب کنیم. می توانید دلایلتان را برای این گزینه بگویید؟
□ بیست اداره شهر تهران نیاز به وحدت مدیریت و اقتدار دارد. شورا متأسفانه در قانون همان طور که خامنه ای اشاره کرده اند یکی از اهداف است در کنار شهرداری، در صورتی که شورا بایستی مدیر شهر باشد. این فجایی که در شهر اتفاق می افتد و تا زگی هم اتفاق افتاده ناشی از بکثر مدیریت شهر است. من اعتقاد دارم شورا بایستی قانونگذار شهر باشد و شهردار، مدیر شهر. ولی همه دستگاه های اجرایی بایستی اختیارات داخل شهر را به لحاظ قانونی به مدیریت شهری واگذار کنند.

شماره ۱۳۲
وظیفه شورا در زمینه نظارت بر شهرداری در این حالت چه می شود؟
□ شورا می تواند شهردار را استیضاح کند. باید نظارت کند ولی نظارت قانونمند و سازمان یافته. نظارت با مع گیری فرق می کند. شورا باید طرح تصویب کند و برای طرح اعتبار تصویب کند و به مدیریت شهر بگوید برو اجرا کن و آنجایی که اجرایی شود از مدیریت شهر توضیح بخواهد. نظارت یعنی این.

شماره ۱۳۳
شرایط ترمال و طبیعی این گونه است که شما می فرمایید ولی با توجه به این که اکثریت



صد سال است که ما نهادهای دموکراسی را در این کشور شروع کرده ایم، باید تجربه کنیم و در تجربه ایرادهايمان را بر طرف کنیم



اعضای شورا به احتمال زیاد از نظام شهرداری اطلاعی نداشتند، خواهنا خواه وقتی شهردار مقتدر باشد، در عمل شورا زیر مجموعه شهرداری می شود و احتمالاً دوستان از این جهت نگران بودند. من بارها می گفتم ما بودجه ششصد میلیارد تومانی برای شهرداری تصویب کرده ایم، بیایید روی این بودجه هنگفت نظارت کنید. بودجه ای که بهترین کارشناسان آن را بررسی می کردند به اعضای شورا گفتم شما بیایید در مورد این بودجه ای که برای فلان بزرگراه مثلاً بیست میلیارد تومان تصویب کرده ایم نظارت کنید. متأسفانه ما در نظارت کل کشور این مشکل را داریم. نظارت و بازرسی راهی شده برای معگیری از مدیران، در صورتی که بازرسی و نظارت باید به بودجه یکصد و شصت هزار میلیارد تومانی نظارت بکند. این کار را نمی کند، نه در توانش هست و نه در صلاحیت

خودش می بیند. نظارت یعنی این که روی اجرای برنامه نظارت کنیم. متأسفانه اختیارات قانونی شوراها خیلی کم بود. پیداست که بایستی قانون اصلاح شود و مدیریت شهری به نمایندگان شهر واگذار شود و هم این که درآمدهای شهر داخل شهر هزینه بشود. من بارها در دولت گفتم که آقای خانی؟ ما به عنوان شورای شهر، یک ریال از پول نفت را نمی خواهیم. اجازه بدهید در تهران هزینه شود. باید درآمدهای تهران را در شهر تهران هزینه کنیم. ولی دولت زیر بار نمی رود. حتی جمع آوری عوارض شهرها را در اختیار دولت قرار دادند. به چه دلیل در جدول شماره ۱۶ یچه بودجه سال ۸۲ مبلغ ۱۸۴۵۲۵۱۸ میلیون ریال بابت مازاد درآمد استان تهران به خزانه واریز می شود. خوب است نمایندگان استان تهران در مجلس این بی عدالتی را نپذیرند.



با توجه به این مشکلاتی که شما مطرح می کنید، یک پرسش اساسی در باره پروژه شوراها شکل می گیرد که به بحث کلان قضیه مربوط می شود. شما فرمودید در سال ۷۰ که بحث شوراها مطرح شد، نظر مخالفان این بود که کلاً زمینه تحقق چنین قانونی وجود ندارد. در این قضیه شورای شهر هم که به انحلال کشید، عده ای معتقدند این تجربه نشان می دهد که ما هنوز زمینه شورای نداریم و کشور ما چه به لحاظ زیر ساخت های فرهنگی و یا چه به

لحاظ بافت گروه های سیاسی، آمادگی پذیرش نهادهای دموکراتیک را ندارد، نظر شما راجع به این مسئله چیست؟
 □ صد سال است که ما نهادهای دموکراسی را در این کشور شروع کرده ایم، باید تجربه کنیم و در تجربه ایرادهايمان را بر طرف کنیم. نمی توانیم بگوییم چون زمینه وجود ندارد اجرا نکنیم. بایستی به میدان برویم، یک بار که مردم به ما پشت بکنند برایمان تجربه می شود. دنیا هم دموکراسی را با تجربه به دست آورده است. نسخه ای نبوده که یکبار به پیچیده شده و اجرا کنند.



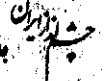
یعنی شما فکر می کنید این مواعظ و بن بست ها خودش می تواند زمینه ایجاد کند؟
 □ قطعاً همین طور است. اکنون همین شورای دوم که دیدگاهشان مشخص است و با ما تفاوت هفتادمی همان راه ما را دارند ادامه می دهند یعنی هیچ کتاب تو طرح ها و پروژه های ما را تطبیل نکرده اند. درست است که در زمینه فرهنگی سلیقه جدا از ما دارند ولی همان بزرگراه هایی که کرباسچی شروع کرد، این آقایان ادامه می دهند و تکمیلش می کنند. این راه راه درستی است.



در باره ترکیب شورای اول هم یک پرسش مطرح می شود. با توجه به این که اکثریت دست اعضای مشارکت بود و طبیعی است در چنین حالتی این اکثریت فرجهت گروه خودش عمل می کند.

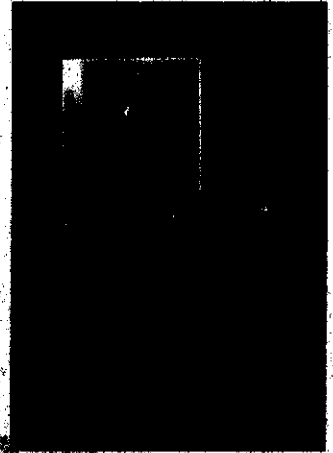
شما فکر می کنید در چنین شرایطی اقلیت چه برخوردی باید بکند؟ و چه باید بکنیم که کار مملکت سامان یابد و جناح های سیاسی سلیقه های خودشان را بر سر نوشت مردم حاکم نکنند و کشور از مایشگاه خطاهای چندباره آنها نشود؟

□ در کشور ما هنوز حزب یا نگرفته است. حزب فقط روز انتخابات تشکیل می شود. در نتیجه چنین نیست که احزاب ما برنامه داشته باشند و اعضایشان در چارچوب برنامه ها کار کنند. اعضای احزاب و بویژه احزابی که یک شبه درست می شوند، متأسفانه از حزب حرف شنوی ندارند و حرف خودشان را می زنند. مثلاً ما به عنوان کارگزاران برای شهر برنامه داشتیم، همان برنامه ای که کرباسچی ارائه داد، یعنی تهران هشتاد در همان جهت من و فروش و عطریانفر هماهنگ بودیم. ولی دوستان مشارکت چنین برنامه ای نداشتند و بعد هم یکی یکی از هم جدا شدند. من فکر می کنم احزاب خودشان بایستی کار کنند و حزب به معنای واقعی باید تشکیل بشود. تشکیل و اداره حزب، نیازمند به آموزش است. حزب سازماندهی و عضوگیری رسمی می خواهد.



بنظر شما ریشه مشکلاتی که در اینجا است که ما سیستم حزبی نداریم و یا احزاب یا روش علمی و درست سازمان نیافته اند؟
 □ دقیقاً همین است.

کتاب‌های مرتضی



سوسیال دموکراسی دینی -
محمد نجف‌سب و خداپرستان
سوسیالیست

مرتضی کاظمیان
انتشارات کویر
چاپ اول: ۱۳۸۳
قیمت: ۱۸۰۰ تومان



وزیر خاکستری
پارشناسی نقش داریوش همایون
در حکمیت پهلوی دوم

حطاءالدین تبرانیان
موسسه مطالعات تاریخ
معاصر ایران
چاپ اول: ۱۳۸۳
قیمت: ۵۹۰۰ تومان



تاگفته‌های انقلاب و مباحث
بنیادی ملی

عزت‌الله سبحانی
انتشارات گام نو
چاپ اول: ۱۳۸۳ تهران
قیمت: ۳۶۰۰ تومان



ارمغان خاطره‌ها
حاج شیخ نصرالله مرادعلی نجف‌آبادی

ناشر: انتشارات دارالفکر -
چاپ اول: بهار ۱۳۸۳
قیمت: ۲۵۰۰ تومان

- در این کتاب می‌خوانید:
- استقامت و آرامش
 - پرسش حیرت‌زا
 - ضعف روحانیت
 - گرایش مردم به صداقت و صراحت
 - محرومیت جامعه و غارت درآمدها
 - استقرار نظام جمهوری و تصویب قانون اساسی
 - نمایندگان اهل سنت
 - درگیری با دکتر اسرافیلیان
 - گفته‌ها و ناگفته‌های رزمندگان
 - نامه به آقای هاشمی
 - رفسنجانی
 - جریان سید مهدی هاشمی
 - و ...